

کلماتی که نمی توانند خاموش شوند.

رومیان ۱۳، ۸ - ۱۲



هیچ چیز به کسی مقروض نباشید، به جز محبت به یکدیگر. کسی که دیگران را محبت کند، شریعت را بجا آورده است. 9. همه احکام خدا: زنا نکن، قتل نکن، دزدی نکن، طمع موز، و هر حکم دیگر در این حکم است که «همسایهات را مانند جان خود دوست بدار»، خلاصه شده است. 10. کسی که همسایه خود را دوست دارد، به او بدی نمی کند. پس محبت اجرای کامل تمام شریعت است. 11 به علاوه شما می دانید که ما در چه زمانی هستیم و می دانید که موقع بیدار شدن از خواب رسیده است. امروز نجات ما از آن روزی که ایمان آوردیم، نزدیکتر است. 12. شب تقریباً گذشته و روز نزدیک است، پس بیایید اعمال تاریکی را به سوی نهم و زرۀ نور را در بر کنیم.

هنگامی که غروب افتاد و تاریکی به درون شهر کورینت وارد کرد، پولس نامه را به رومیان تقریباً کامل نوشته بود.. او در فکر عمیق غرق بود. شرایط کلیسای روم او را دلواپس بود. در روم، مسیحیان مانند هیچ شهر دیگری مورد آزار و اذیت قرار گرفته اند. در هنگامی تاریکی آن آزار دائماً بدتر می شد. سربازان با شمشیرهای کوتاه از خانه ای به خانه ای دیگر می رفتند و مسیحیان را به قتل می رساندند یا آنها را اسیر می کردند. محله های شهر روم بالاخره بدون مسیحی شده اند. از اتاق خود در کورینت، به این افراد فکر کرد و قلبش در غم و اندوه می سوخت. او نمی توانست هیچ کاری برای کمک رسانی به اعضای کلیسای خود در روم انجام دهد. پولس با ناراحتی از پنجره نگاه کرد و دید که تاریکی اکنون همه چیز را پوشانده است. آدم فقط می توانست سایه های بیرون را ببیند. او احساس کرد که تاریکی ای که در بیرون پخش می شود نیز به قلبش نفوذ می کند. او خیلی خسته بود خسته از همه مشکلات سفر. خسته از بحث و گفتگو با افرادی که هنوز نمی خواستند انجیل را درک بکنند. همچنین از وسوسه ی شیطان که زندگی خود را تحت آزار گرفت. و همچنین آزار و اذیت شدیدی که کلیسای روم را نابود خواهد کرد، او را سخت غمگین کرد. چه کسی در برابر قدرت دولت روم انجام بدهد؟ به نظر می رسد که در جهان همیشه نفرت و بدخواهی غالب می شود ... "ما مسیحیان بسیار ناتوان هستیم!" او آهی کشید ... از راه دور او یک نور را دید و صدایی را که اندکی اندیشه وی را منحرف می کرد. او صداها را از خانه آکویلا و پریسیلا شنید. و از آشپزخانه روشنایی چراغی به اتاق کوچکش روبروی خیابان درخشد. آکیلا و پریسیلا در حال تهیه ی غذا بودند. بار دیگر آنها می خواستند مهمانان را دعوت کنند. آنها می خواستند با جامعه، مزمور به آواز، کتاب مقدس را بخوانند، انجیل عیسی مسیح را بشنوند و سپس برای سختی های جهان دعا کنند ... آکویلا و پریسیلا بار دیگر، همه چیز را به خوبی آماده کردند. هنگامی که آکویلا و پریسیلا دید، پولس احساس گرم و روشنی داشت. آنها مانند یک فانوس دریایی در جامعه و در کل شهر کورینت بودند. چه نیرویی از این دو پدید آمد! .... پولس به رومی ها فکر کرد و ناگهان کلمات دوباره از قلم بیرون آمدند. او می خواست بگوید نفرت و آزار و اذیت دولت نمی تواند هیچ کاری علیه انجیل انجام دهد. اگر در پرتو عیسی بمائیم، حتی شیطان نمی تواند به ما حمله کند. هیچ چیزی به کسی مقروض نباشید، جز محبت به یکدیگر. ... "از قلم او بیرون می آمد. پولس در نامه ی خود دو تا موضوع را وصل کرد که معمولاً متعلق به یکدیگر نیستند. قانون و عشق. به رومیان توضیح داده که قانون بدون مسیح ما را به رسوایی رسید زیرا مسیحیان هرگز نمی توانند به تنهایی کار قانون انجام دهند. شیطان می خواهد به چنین افرادی بخندد. کشتن مسیحیان با منابع خودشان چه آسان است! او در گوش آنها زمزمه کرد: "کاری درست را انجام دهید، پس شما سزاوار آسمان هستید!". و همه آنها مشغول حفر قبرهای خود هستند. اما با مسیح و با قدرت او، قانون مملو از عشق است. به خصوص در مواقع دشوار، زندگی در مسیح راهنمای مهمی برای جهت گیری خود است. در برابر قدرت دولت و در برابر آزار و شکنجه، آدم هرگز نباید به شمشیر متوسل شود، بلکه به سادگی آنچه را که خدا همیشه از ما انتظار داشته است انجام دهیم. یعنی ۱۰ فرمان را اطاعت کند. و مهمترین چیز، عشق به خدا و عشق به همسایه است. پولس نور آکویلا و پریسیلا را دید و شنید که اولین مهمانها می رسند. نور خانه آکویلا و پریسیلا در سراسر خیابان به داخل اتاقش می درخشید و قلب وی را نیز روشن می کرد. باز هم دید که افراد غریب در آنجا ایستاده اند. آنها، نیز تحت تأثیر نور آکویلا و پریسیلا قرار گرفتند. اگر چه آنها تصویری هم نداشتند که نور چراغ از کجا می آید! بله، در برابر نور عشق، هیچ کس نمی تواند کاری انجام دهد. حتی کشور روم نیز نمی تواند علیه این عشق کاری انجام دهد! اجتماع کوچک در روم اخراج شد. برخی حتی کشته شدند.

اما عشق به هر حال نمی تواند خاموش شود. زیرا عشق توسط مردم احساس نمی شود بلکه خود خدا است که عشق را ایجاد کرده است. به همین دلیل عشق باید بماند. همانطور که مطمئناً فردا خورشید طلوع می کند، تاریکی شیطان نیز بیرون می رود. تاریکی هیچ کاری در برابر خدا و عشق او نمی تواند انجام دهد! پولس می خواست مسیحیان روم را تشویق کند. بنابراین وی در ادامه نوشت: تاریکی ای که اکنون در زندگی خود تجربه می کنید ابدی نیست. تاریکی باید بگذرد. اما خدا و عشق او جاودانه است، به خصوص در مواقع دشوار، زندگی در مسیح راهنمای مهمی برای جهت گیری خود است.

پس بیایید اعمال تاریکی را به سویی نهیم و زره نور را در بر کنیم.

نوری که رسول پولس درباره یان صحبت کرد، هنوز خاموش نشده است. رومیان ها نتوانستند آن را خاموش کنند. بسیاری از دولتهای دیگر نتوانستند نور انجیل را خاموش بکنند. نور انجیل تا به امروز، در سراسر جهان می درخشد. نور انجیل نیز به ما رسیده است. امروز به عنوان نمادی از این نور، شمع را روی تاج ایام کریسمس ادونت قرار دادیم. از این پس هر هفته یک شمع اضافه خواهیم کرد تا کریسمس شود و تولد مسیح را جشن بگیریم. ما می خواهیم دقیقاً همان چیزی را که پولس در آن زمان گفت، بگوییم.... هنوز در اطراف ما تاریکی است. هنوز چیزهای زیادی در اطراف ما وجود دارد که ما را غمگین و ناامید می کند. امروز هنوز آزار و اذیت مسیحیان وجود دارد. در مناطق مختلف جهان مردم شکنجه و کشته می شوند، رنج بی نهایت وجود دارد. در ایران به نظر می رسد که شیطان پیروز شده است. افراد زیادی کشته شده اند. حتی بیشتر در زندانها تحت شکنجه می شوند. دولت ناعادلانه بر مردم ایران پیروز شده است. حداقل این چیزی است که به نظر می رسد. اما با وجود همه اینها، شیطان هرگز نمی تواند نور عیسی مسیح را خاموش کند. عیسی مسیح که به ما می آید کل زندگی ما را جهت می دهد. مثل بچه هایی که دیگر نمی توانند منتظر کریسمس باشند. همین گونه ما مسیحی هستیم و همین طور در این زمین زندگی می کنیم. من صدای خوشحالی پولس را می شنوم: از خواب بیدار شو! امروز نجات ما نزدیکتر است! اکنون مانند بر روی بالش، با ناراحتی، مناسب نیست. حالا مناسب است که شاد باشید و به بیرون پنجره ها نگاه کنید، زیرا یک روز کاملاً جدید فرا می رسد و چیزی جز شادی و زندگی به ارمغان نمی آورد! تاریکی آنجاست، هیچ کس نمی تواند آن را انکار کند. اما، ما خود را به آن سو گرایش نمی دهیم، بلکه خود را به سمت خورشید درخشان متمرکز می کنیم، که به زودی طلوع می کند و کل زندگی را روشن می کند. ما به عنوان فرزندان نور، نباید با نفرت یا وسوسه های جهان از نور منحرف شویم. مسیح لحن صدا را تنظیم می کند. نور او در قلب ما می درخشد. می دانم که مسیح و نور او همیشه قابل مشاهده نیست. حتی در زندگی ما همیشه مشهود نیست. بعضی اوقات صدای شیطان بسیار بلند است و ما نمی توانیم به درستی خواست خدا را تشخیص دهیم. آنچه باید بدانیم این است که ما اصلاً نمی توانیم هیچ چیزی را تشخیص دهیم بلکه مسیح این کار را برای ما انجام داد. در زیست شناسی مثال زیبایی وجود دارد که چگونه حتی کوچکترین حیوانات از حقوق خود برخوردار می شوند. در چشم ما نامرئی است، که بسیاری از باکتریها در بین ما زندگی می کنند. چنین حیواناتی نه چشم، نه گوش و نه اندام حسی دیگری دارند. بنابراین آنها نمی توانند حرکت بکنند. اما آنچه برای آنها خوب است این است که آنها در برابر نور واکنش نشان می دهند. وقتی یک چراغ می درخشد، به آنجا کشیده می شوند. این به خودی خود اتفاق می افتد. به همین ترتیب ما مسیحیان بسیار شبیه آن حیوانات هستیم. تنها ما ناتوانی و بدون جهت گیری هستیم. اما وقتی مسیح از طریق تعمیم در ما ساکن شود، منبع نوری در زندگی ماست. ما دوباره و دوباره به سوی مسیح کشیده می شویم. و او نوری است که در ما می درخشد. آمین